

خارجہ و سایر مواد متوسطہ از قبیل زبان و ادبیات فرانسه - علوم طبیعی و ریاضی - تاریخ و جغرافیا - تعلیمات مدنی و اخلاقی - موسیقی و رسم و کار دستی است .

شعبه باستانی که در دو سال اول زبان لاتین تدریس میشود . این شعبه از آغاز سال سوم بدو قسمت الف و ب تقسیم میگردد . در قسمت الف علاوه بر لاتین زبان یونانی نیز میآموزند - در قسمت ب دوزبان خارجہ زنده فرامیگیرند .

دو سال بعد یعنی آخر سال چهارم امتحان دوره اول متوسطہ بعمل می آید - قسمت ب نیز بدو جزء منشعب میشود . عدهای در همان قسمت ب دوزبان خارجہ را میآموزند و عدهای دیگر بجای یکی از دوزبان خارجہ در قسمت ج بتحصیل علوم طبیعی و ریاضی بیشتری میپردازند .

در آخر کلاس ششم امتحان عمومی متوسطہ را میدهند و چنانچه پذیرفته شوند بکلاس هفتم وارد می شوند که به سه رشته تقسیم شده : فلسفه - علوم ریاضی - علوم تجربی .

تمام دانش آموزان در پایان کلاس هفتم نیز امتحان بهیئت ممتحنه رسمی داده در صورت توفیق باخذ گواهی نامه تحصیلات متوسطه (۱) نائل می شوند که امتیازات بیشمار دارد و از آنجمله حق ورود بدانشگاه و شرکت در مسابقه و ورودی بخدمات دولتی است . بترتیبی که ذکر شد دبیرستان وسیله ای است برای انتخاب جوانان مستعد از میان شاگردانی که مایل بتحصیلات فوق دبستان هستند .

طریق انتخاب علاوه بر کارنامه تحصیلی و نظریات دبیران امتحانات متعددی است که صورت میگیرد : امتحان ورود دبیرستان - امتحان سالیانه هر کلاس - امتحان دوره اول متوسطه - امتحان عمومی متوسطه (در آخر کلاس ششم) - امتحان پایان تحصیلات متوسطه . در امتحان اخیر با وجود تمام مراحل که شاگرد پیموده معمولاً ۲۵ تا ۳۰ درصد از داوطلبان بگرفتن گواهینامه نائل میگردند .

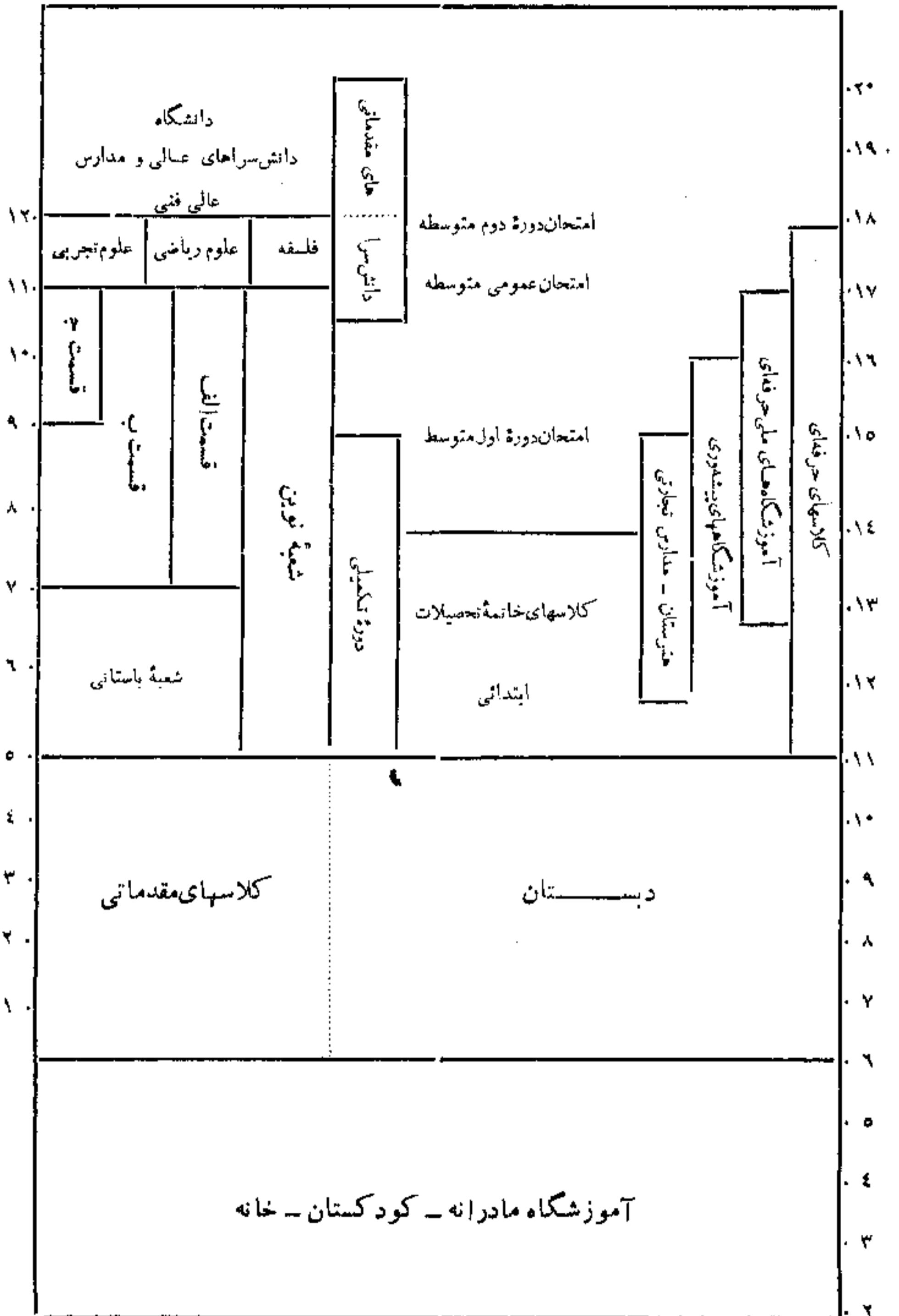
علاوه بر کلاسهای متوسطه عموماً در لیسه های بزرگ کلاسهای موجود است

که فرهنگستان دبیرستان را برای امتحانات مسابقه ورودی آموزشگاه های عالی چون دانشسرای عالی پاریس و مدرسه عالی راه و مدرسه عالی کان و مانند آن آماده میکنند . دبیرستانهای محلی که کاز (۱) نام دارد از حیث برنامه با لیسه یا دبیرستانهای دولتی اختلاف ندارند لیکن بخشی از بودجه آنها از طرف شهرداری پرداخته میشود و دبیران آنها عموماً لیسانسیه هستند و چنانکه در سطور بعد روشن خواهد شد از حیث دانش و پیشینه پایه دبیران لیسه نمیرسند .

دبیران دبیرستانهای دولتی را دانشسرای عالی پاریس پرورش میدهد و از ۱۹۰۳ جزو سازمان دانشگاه پاریس است . داوطلبان با امتحان مسابقه بدان وارد شده و پس از گرفتن لیسانس در مسابقه دیگری که بسیار دشوار است باید شرکت کنند تا پایه آگرزه (۲) رسیده و بدبیری لیسه ها گماشته شوند .

تا ۱۸۸۰ دبیرستان دخترانه در فرانسه وجود نداشت و آموزشگاهی که پس از این تاریخ برای آنان برپا شد دوره تحصیلاتش کوتاهتر از دبیرستان پسرانه بود . در جنگ جهانی اول (۱۸-۱۹۱۴) چون مردان همگی بچنگ اشتغال داشتند زنانرا در کارخانه ها و ادارات کشوری و لشکری بکارهایی که متناسب با بنیه و تحصیلات آنان بود گماشتند و مهارت و شایستگی بسیار از آنان بمنصه ظهور رسید . در نتیجه افکار عمومی که تا آن زمان با تحصیلات متوسطه و عالیة دختران مساعد نبود تغییر کرد . در ۱۹۲۵ برای دوشیزگان دبیرستانهایی نظیر دبیرستانهای پسرانه در تمام فرانسه دایر کردند و در آنها علاوه بر مواد معمولی تدبیر منزل و خانه داری را نیز تدریس کردند بطوریکه اکنون موجبات تحصیل و ترقی از هر حیث برای آنان فراهم است .

دانشگاهها در ۱۸۹۶ بموجب قانون در هر يك از هفده حوزه فرهنگی فرانسه يك دانشگاه برپا شد ولی از حیث شماره دانشکده و دروسی که میآموزند و وسایل تحصیل و پژوهش دانشگاههای مذکور باهم اختلاف کلی دارند .



سازمان آموزشگاه‌های فرانسه

در دانشگاههای فرانسه توجهی پرورش اخلاقی معطوف نیست و دانشجویان دارای قسمت شبانه روزی نیستند. در دانشگاه پاریس بعضی از دول بیگانه عماراتی بدعوت دولت فرانسه برای محصلین اتباع خود ساخته‌اند که نظیر باشگاه و مهمانخانه است. شورای دانشگاه مرکب است از رؤسای دانشکده‌ها و دو نفر استاد از هر دانشکده با انتخاب استادان آن دانشکده. وظایف عمده آن عبارتست از تصویب بودجه دانشگاه و برنامه‌ها و آئین نامه‌ها و قبول یا رد هدایا. ریاست شوری با رئیس دانشگاه است که از طرف وزیر فرهنگ معین میشود و باید دارای درجه دکتری باشد. وزیر فرهنگ معمولاً رئیس مذکور را از میان استادان دانشگاه برمیگزیند.

دانشجویان پس از دادن امتحانات لازم میتوانند بگرفتن نخستین درجه که لیسانس باشد نائل گردند. پس از لیسانس درجه دکتری است که از ۱۸۹۷ بدو گونه است: دکتری دولتی و دکتری دانشگاه.

برای اخذ درجه دکتری دولتی در ادبیات و حقوق و علوم طبیعی و ریاضی باید شهادتنامه‌های معینی در رشته تخصصی لیسانس بدست آورد - دو شهادتنامه تحصیلات فوق لیسانس اخذ نمود - موضوع بگرومهمی برای پژوهش و نوشتن پایان نامه انتخاب کرد و بتصویب هیئتی از فحول استادان رساند. برای اخذ درجه دکتری دانشگاه داشتن لیسانس غیر تخصصی و یک شهادتنامه تحصیلات فوق لیسانس و تهیه رساله کافی است. بنا براین نوع اخیر آسانتر است و عموماً دانشجویان بیگانه آنرا گیرند و در مملکت فرانسه برای آن حقوق و امتیازی قائل نیستند.

در پاریس علاوه بر دانشگاه مدارس و مؤسسات عالی دیگری وجود دارد که از لحاظ علمی در ردیف دانشگاه است - از آنجمله آموزشگاههای عالی فنی و مهندسی و نظامی و دانشسراها عالی و کلژ دو فرانس (۱) که فرانسوای نخست پادشاه فرانسه در ۱۵۳۰ برپا کرد تا از جنبش فرهنگ پژوهان که دانشگاه پاریس مخالف آن بود استقبال کند و تا امروز با کمال آزادی بزرگترین علمای فرانسه در رشته‌های مختلف در مؤسسه مذکور

پیرو هوش مشغول هستند و چنانچه خودشان مایل باشند خطابه‌هایی نیز ایراد میکنند و هر کس میتواند از بیانات آن دانشمندان عالیقدر استفاده کند.

تمرکز اداری فرانسه بزرگترین و کاملترین نمونه تمرکز اداری است - چه در فرهنگ و چه در دیگر کارهای کشوری. بر فراز سازمان وزیر فرهنگ است که بوسیله وزارتخانه خود همه کارها را در دست دارد. هر حوزه فرهنگی را رئیس دانشگاه آن حوزه اداره میکند. هر شهرستان نیز رئیس فرهنگی دارد که مسئول رئیس حوزه است. چند تن بازرسان کل که دست کم آگرزه هستند مستقیماً با وزیر فرهنگ مربوطند و هر یک در رشته تخصصی خود در فرهنگ کشور بازرسی میکنند. بازرسان حوزه‌های فرهنگی و بازرسان دبستانها نیز هر یک در حدود اختیار خویش بنظارت در فرهنگ شهرستان یا تنها دبستانهای معینی اشتغال دارند.

جنبش اصلاح طلبی نواقص و معایب دستگاه آموزش و پرورش فرانسه چنانکه سابقاً نیز اشاره شد از اوایل قرن بیستم میلادی توسط علما و دانشمندان بوسایل گوناگون تذکر داده میشد ولی چنانکه باید مورد توجه قرار نمیگرفت تا در جنگ جهانی دوم فرانسه دچار شکست گردید و قریب چهار سال تحت اشغال قوای آلمان درآمد. آنگاه زعمای قوم علت عمده شکست را در ضعف و نقص مدارس خود تشخیص دادند و در صدد اصلاح آن برآمدند.

معایب عمده مدارس فرانسه عبارتست از سنگینی برنامه و اهمیت دادن به محفوظات - آماده کردن شاگرد برای امتحانات رسمی و گرفتن گواهینامه برای ورود به خدمات دولتی بهر وسیله که ممکن باشد - مرتفع نساختن احتیاجات مردم - مطابقت نکردن سازمان و برنامه و روش پرورش با تحولاتی که در پنجاه سال اخیر صورت گرفته مانند ازدیاد قوه تولید و اختراعات و وسایل حمل و نقل و ارتباط و شرکت زنان در امور اجتماعی و اقتصادی و افزایش عده کارگر - مربوط نبودن مدرسه با زندگی واقعی و تربیت نکردن جوانان برای مشاغل ضروری.

دراثر حشر با امریکاییها در دو جنگ جهانی و مسافرت عده بسیار کثیری از معلم

ودانشجو بامریکا نواقص و معایب مدارس فرانسه بهتر و بیشتر ظاهر گردید بطوری که در ۱۹۴۵ وزارت فرهنگ کمیسیونی از ۲۶ نفر از دانشمندان علوم تربیتی در پاریس تشکیل داد تا طرحی برای اصلاحات تهیه کنند .

در ۱۹۴۶ کمیسیون طرحی پیشنهاد کرد که بسیار جامع و اساسی است ولی اجرای آن مستلزم هزینه های بسیار گزاف میباشد و بهمین جهت و شاید بدلائل سیاسی تاکنون نسبت بعملی ساختن آن اقدامی بعمل نیامده است .

لیکن در اثر تقاضا های مردم از همان سال ۱۹۴۵ وزارت فرهنگ در دو بیست کلاس اول عده ای از دبیرستانها برنامه و روش جدیدی بطور آزمایش بموقع اجرا گذاشت و چون در پایان سال تحصیلی نتایج نیکو بدست آورد در ۱۹۴۶ روش جدید را در ۲۰۰ کلاس دوم متوسطه نیز مجری و معمول داشت و در ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ این رویه را در دو بیست کلاس سوم و چهارم عملی کرد و از کلاس پنجم متوسطه بپس قرار شد همان روش سابق بکار برده شود .

مهمترین اصلاحی که در این کلاسها بعمل آمد مربوط بروش تعلیم و تربیت است : بجای معلم که درس را تهیه کند و ساعت کلاس را با تقریرات خود بگیرد شاگردان براهنمائی او موضوع درس را از مشاهده در پیرامون خویش و مطالعه در کتب و مجلات و مذاکره و عمل در کلاس فرامیگیرند - بذوق و استعداد شاگردان توجه خاص مبذول میشود - شاگردان میتوانند در حین درس اظهار نظر و عقیده کنند - عده ای از آنان با همکاری یکدیگر با امور اجتماعی میپردازند و هدف معینی را دنبال میکنند - بفواصل معین معلمین هر کلاس گردهم آمده دروس آینده خود را بموضوع مشخصی مربوط میسازند . در برنامه کلاسهای جدید نکته ای که تازگی دارد اینست که ساعتهائی برای کشف استعداد شاگردان از راه اشتغال بکارهای دستی و موسیقی تخصیص داده شده - ساعت هائی نیز برای پژوهش و مطالعه مطابق میل خود شاگرد اختصاص یافته - چند ساعت هم براهنمائی معلم صرف تکمیل درس و مطالعه میشود .

سازمان فرهنگ انگلستان

تاسده هیجدهم کلیسای رسمی انگلیس بر فرهنگ نظارت داشت و آموزگاران ناگزیر بود از کشیش حوزه خویش پروانه معلمی گیرد. در قرن هیجدهم گام بزرگی برای آموزش ابتدائی برداشته نشد و تنها اقدام نوع پرورانه اشخاص و هیئت های نیکوکار تاحدی راه را برای آموزش همگانی باز کرد. در آغاز قرن نوزدهم توسط کمیته‌هایی که از جانب دولت بتصویب مجلس برپا گشت اوضاع فرهنگ کاملاً بررسی شد و اطلاعات سودمندی گرد آمد که برای بسط و توسعه آموزش همگانی بعدها بسیار نافع افتاد.

در ۱۸۳۳ بواسطه اصلاحی که در قانون انتخابات کردند بر شماره رأی دهندگان افزوده شد و در نتیجه برای تربیت و آماده کردن مردم بشرکت در انتخابات ۲۰ هزار لیره برای کمک بدبستانها تخصیص دادند که شش سال بعد بسی هزار لیره فزونی یافت.

در ۱۸۶۸ بار دیگر قانون انتخابات اصلاح و شماره انتخاب کنندگان بیشتر شد باین جهت در ۱۸۷۰ قانون مهمی از تصویب گذشت که بموجب آن در هر نقطه‌ای که آموزشگاه خوب موجود نبود ملت حق داشت هیئت مدیره محلی برای فرهنگ برگزیند. این هیئت میتواندست مدارسسی باز کند که هم از دولت اعانه گیرند و هم از مالیاتهای محلی بهره‌مند شوند. قانون مذکور مدارسی که تا آن زمان فرقه‌های دینی (۱)

(۱) مسیحیان عالم بر سه گروه بزرگ کاتولیک و پرتستان و ارتدکس تقسیم شده‌اند. گروه اخیر در بالکان سکونت دارند و در روسیه قبل از انقلاب نیز مذهب ارتدکس رسمیت داشت. در سایر کشورها هم پیروان طریقه کاتولیک هست هم پرتستان. در بعضی از ممالک مانند ایتالیا و اسپانی و امریکای جنوبی اکثریت با پیروان طریقه کاتولیک و در بعضی دیگر چون انگلستان و سوئد و کشورهای متحد امریکا اکثریت با پیروان طریقه پرتستان است. پرتستانها نیز بچندین فرقه تقسیم شده‌اند مانند فرقه Presbyterian و فرقه Methodist و فرقه Puritan و غیره که در مسائل فرعی با یکدیگر اختلاف دارند. در انگلستان مقصود از فرقه‌های دینی پیروان مذهب رسمی Anglican و پیروان طریقه کاتولیک و فرقه‌های مختلف طریقه پرتستان است.

برای پیروان خود برپا کرده بودند برسمیت شناخت و دولت را مجاز بدادن اعانه به آنها نمود.

پس از قانون مذکور در ۱۸۷۶ و ۱۸۸۰ قوانین دیگری وضع شد که آموزش را تا یازده سالگی اجباری کرد. بعد بموجب قوانین ۱۸۹۳ و ۱۸۹۹ سن تحصیلات اجباری را بدوازده سالگی رساندند. سرانجام در ۱۸۹۹ اداره بزرگی برای تمرکز دادن فرهنگ انگلستان و نظارت بر آن در لندن بنام « هیئت مدیره فرهنگ » تشکیل یافت که رئیس آن در هیئت وزیران انگلستان عضویت داشت. توأم با اداره مذکور کمیته رایزنی بموجب آن قانون بوجود آمد که از کارشناسان و استادان دانشگاه و نمایندگان هیئت هائی که در فرهنگ ذی‌علاقه بودند تشکیل شده بود و در مسائلی که بدان رجوع میشود رأی میداد.

در ۱۹۰۲ قانون مهم دیگری راجع بفرهنگ وضع گردید و بموجب آن اجازه داده شد که مدارس فرقه‌های دینی نیز از مالیات‌های محلی مانند مدارس رسمی بهره برگیرند زیرا آموزشگاه‌های رسمی که برحسب قانون ۱۸۷۰ بوجود آمد مورد استقبال مردم قرار گرفت و بر شماره و رونق آنها افزوده شد تا آنجا که مدارس فرقه‌های دینی نتوانستند با درآمد خود و اعانه دولت در برابر آموزشگاه‌های رسمی استقامت کنند. نکته دیگری که در قانون ۱۹۰۲ اهمیت داشت این بود که دو گونه آموزشگاه مذکور را در شهرها تحت نظارت انجمن شهر و در نقاط دیگر تحت نظارت انجمن شهرستان قرارداد لیکن کارهای هر مدرسه بهیئت نظاری واگذار گردید که بطرز خاصی معین میشدند. بعلاوه برطبق قانون مذکور انجمن شهرستان یا انجمن شهر بایست برای تحصیلات بالاتر از ابتدائی نیز اعتباراتی پیش‌بینی نماید و از آموزشگاه‌های برتر از دبستان نیز نگاهداری کند. « هیئت مدیره فرهنگ » لندن که بمنزله وزارت فرهنگ بود نیز حق پیدا کرد از این پس درباره « آموزشگاه‌های همگانی » که از موقوفات اداره میشوند و کاملاً مستقل بودند اظهار نظر کند و آنها را که مطابق مقررات دولت رفتار کنند و مایل باشند اعانه دهد.

بالاخره قانون دینگری که فرهنگ انگلستان را تا اندازه ای که صلاح است
 یکنواخت کرد در ۱۹۱۸ در بحبوحه جنگ جهانی اول بتصویب رسید و آموزش ابتدائی
 و متوسطه و عالی و فنی و سالمندان را روی يك شالوده گذاشت و دستگاه نیرومند و
 متحدی بوجود آورد بی اینکه با آزادی ملت صدمه ای وارد سازد و استقلال و قوه ابتکار
 هر حوزه فرهنگی را درهم شکند. از زیانهای که از تمرکز بسیار (چنانکه در فرانسه)
 حاصل میشود در این قانون جلوگیری شده است و در همان حال میزانی برای کمیته
 معلومات در هر مرحله تعیین گردید که مدارس باید بدان رسند که نه بسیار دشوار بود
 و مانع از اینکه هر آموزشگاه تنوعی از خود پدید آرد و نه بسیار آسان که مایه پس رفتن
 پایه تحصیلات باشد.

بموجب مقررات این قانون تا چهارده سالگی تحصیل مجانی و اجباری بود و پس از آن
 نیز کسانی که وارد کار میشدند تا هیجده سالگی میبایستی در مدارس شبانه لااقل هفته ای
 یکبار به تحصیل پردازند. اولیای هر حوزه فرهنگی یعنی انجمن شهر یا انجمن شهرستان که
 از طرف مردم انتخاب میشوند موظف بودند عوارض محلی وضع کنند و از «هیئت مدیره
 فرهنگ» نیز وجوهی دریافت کرده مدارس ابتدائی و متوسطه را طبق قانون مذکور
 تأسیس و اداره کنند و بمدارس فرقه های دینی نیز مانند گذشته کمک مالی نمایند. اولیای
 هر حوزه حق داشتند با تشویق و راهنمایی «هیئت مدیره فرهنگ» احتیاجات فرهنگ
 محل را رفع و نسبت بآموزشگاه بچگان - بهداری مدارس - تربیت بدنی - اعطای
 کمک خرج به شاگردان مستعد و مستحق دبیرستان اقدام نمایند.

قانون ۱۹۴۴ با وجود اصلاحاتی که قانون ۱۹۱۸ در مدارس انگلستان نمود

تحولات اجتماعی و اقتصادی جهان - انقلاب روسیه - توجه

بطبقات کارگرودهقان ایجاب نمود که برای توده مردم تساوی فرصت بیشتری در آموزش
 و پرورش فراهم شود. ازینرو در ۱۹۲۶ و ۱۹۳۶ کمیسیونهایی مأمور مطالعه در این
 امر شدند و پس از تحقیقات و بررسیهای ممتد پیشنهادهایی نمودند که بواسطه آشفتگی
 اوضاع بین المللی و نزدیک شدن جنگ موقتاً مسکوت ماند ولی قبل از اینکه جنگ

جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) پایان پذیرد پیشنهادها در قانون مفصلی که در سوم اوت ۱۹۴۴ تحت ۱۲۲ ماده و نه ضمیمه بتصویب رسید گنجانده شد و اکنون در انگلستان مأخذ و مالاك عمل میباشد و شرح مختصر آن تشکیلات کنونی فرهنگ آن مملکت را روشن می سازد .

وزارت فرهنگ بموجب قانون مذکور «هیئت مدیره فرهنگ» تبدیل بوزارت فرهنگ شده و رئیس آن هیئت عنوان وزیر فرهنگ را دارد و عضو دولت بریتانیاست . وزارت فرهنگ موظف است در اجرای قوانین فرهنگ نظارت کند و در صورت لزوم احکام و دستورهای صادر نماید .

برای کمک بوزیر فرهنگ و تهیه طرحهای لازم و پیشنهاد های سودمند هیئتی از متخصصین و دانشمندان بنام شورای مرکزی انگلستان و ویلز (۱) ایجاد گردیده و چند شورای دیگر بنام شورای تعلیمات فنی - شورای تعلیمات سالمندان و نظیر آن تأسیس شده است . حوزه های فرهنگی مملکت که عده آنها ۳۱۶ بود به ۱۴۶ حوزه تقلیل یافته تا هر يك از آنها وسعت و جمعیت و قدرت مالی کافی برای اصلاحات لازم طبق مقررات قانون ۱۹۴۴ داشته باشد .

آموزش ابتدائی و متوسطه
 کودکانی که دو سال تمام دارند ولی به پنج سالگی نرسیده اند ممکنست در آموزشگاه نونهالان (۲) پرورش یابند . قانون مذکور سن تحصیل اجباری را از ۱۴ به ۱۵ سالگی بالا برده و بوزیر فرهنگ اجازه داده است که هر وقت صلاح بداند تا ۱۶ سالگی تحصیلات را اجباری کند . پس از دوره اجباری کسانی که در مدارس دیگر تحصیل نکنند باید تا ۱۸ سالگی هفته ای يك روز دانش آموزند خواه در مدارس شبانه شهرها یا در کالج های شهرستان (۳) که در روستا برپا گردیده است .

اکنون ۹۲ درصد از شاگردان بین ۵ و ۱۱ سالگی بدبستان های دولتی میروند

(۱) Wales یعنی قسمت جنوب غربی بریتانیا که بفرانسه Ecosse گویند

(۲) Nursery School

(۳) County College

و بقیه به مدارس خصوصی. شاگردان پس از ۱۲ سالگی تمام، امتحان مسابقه برای ورود به دوره متوسطه میدهند. سه نوع مدرسه متوسطه دولتی وجود دارد: دبیرستان صرف و نحو - دبیرستان فنی - دبیرستان جدید. شاگردانی که بموجب امتحان مذکور استعداد دارند در دو نوع اول و بقیه در نوع سوم پذیرفته میشوند.

در دبیرستان صرف و نحو دانش آموزان بیشتر به تحصیلات ادبی و علمی میپردازند و برنامه آن شامل مواد عمومی مدارس متوسطه است یعنی زبان و ادبیات انگلیسی - تاریخ و جغرافیا - زبان خارجه - ریاضیات - علوم طبیعی - کار دستی - تربیت بدنی و ممکن است عده‌ای از شاگردان بر حسب ذوق یا رشته‌ای که در نظر دارند بعدها در دانشگاه تعقیب کنند، وقت زیادتر صرف فراگرفتن زبانهای باستانی (لاتین-یونانی) یا زبانهای خارجه (فرانسه - آلمانی - اسپانیولی ...) یا علوم طبیعی و ریاضی بنمایند. معمولاً دوره دبیرستان صرف و نحو تا ۱۸ سالگی بطول میانجامد و کسانی که تا پایان آن باقی بمانند برای ورود به دانشگاه آماده میشوند.

دبیرستان فنی شاگردانی را که تا آخر دوره آن بمانند برای مدارس عالی فنی حاضر می‌کند.

برنامه دو سال اول دبیرستان صرف و نحو و دبیرستان فنی یکی است تا در صورتیکه شاگردی بخواهد از یک دبیرستان به دیگری منتقل شود امکان پذیر باشد. شاگردان پس از اتمام سیزده سالگی در خود دبیرستان امتحان داخلی میدهند و نتیجه این امتحان بامشهودات و نظریات کتبی دبیران مأخذ و ملاک نگاهداشتن آنها با انتقال به دبیرستان دیگر خواهد بود.

دبیرستان جدید بیشتر جنبه عملی دارد و بیشتر بکارهای دستی و عملیات در کارگاه و مزرعه توجه میشود تا به تحصیلات کتابی. در شهرهای بزرگ مانند لندن ممکن است سه نوع دبیرستان در یک ساختمان و تحت نظر یک نفر اداره شود و در آن صورت کارهای فوق برنامه (۱) و زمینهای بازی آنها مشترک است. در سایر نقاط بر حسب اقتضا هر نوع

(۱) Extra - curricular activities برای اطلاع از کارهای فوق برنامه

رجوع شود بکتاب روش نوین در آموزش و پرورش تألیف نگارنده - چاپ ششم صفحه ۱۷۰

دیرستانی که اولیای فرهنگ محل مورد حاجت بدانند تأسیس میگردد.

برای اینکه اطفال بی بضاعت از حیث توانائی مالی اشکالی برای ورود بدیرستان نداشته باشند تمام دیرستانهای دولتی مجانی است ولی دیرستانهای فرقه های دینی تنها از شاگردانی که بموجب امتحان مستعد شناخته و پذیرفته شوند و بی بضاعت باشند شهریه نمیگیرند و این عده در حدود سی درصد از دانش آموزان آنهاست.

دیرستانهای فرقه های دینی سازمان و برنامه شان مانند دیرستانهای رسمی است. آنها که قادرند نصف بودجه خود را از محل موقوفات خود تأمین کنند بموجب قانون از دولات اعانه میگیرند ولی استقلال دارند و تحت نظارت فرقه دینی باقی میمانند. سایر دیرستانهای مذکور جزو مدارس رسمی قرار میگیرند.

کسانی که بخواهند گواهی نامه متوسطه بدست آورند بر حسب رشته ای که برای تحصیل در دانشگاه انتخاب کرده اند در حدود پنج ماده در خود دیرستان يك جا یا بتدریج در مواقع معین در ظرف سال امتحان میدهند. امتحان فقط کتبی است و موضوع آن از طرف هیئتی از استادان دانشگاه ها (بتعیین دانشگاهها) ارسال و اوراق امتحانی توسط همان هیئت تصحیح و نمره داده میشود.

امتحان مذکور بر حسب آسانی و دشواری موضوعات و سئوالات بسه درجه تقسیم شده: عادی - عالی - اعلی.

چنانکه در فصل هشتم ذکر شد از قرن چهاردهم میلادی مدارس بنام «آموزشگاههای همگانی» (۱) تأسیس گردید که منظور اصلی آنها تعلیم و تربیت مردم بود و جنبه خصوصی و تجارتي نداشت و هر يك از آنها معمولاً تحت نظر هیئتی از رجال نامی و بانفوذ مملکت اداره میشد. بهمین جهت آنها را «آموزشگاه همگانی» نامیدند. چون این مدارس شبانه روزی و هزینه آن زیاد بود بالطبع بطبقه اشراف و توانگران تخصیص یافت و اکثر سیاستمداران و زعماء و دانشمندان انگلستان از این گونه مدارس بیرون آمدند. مطابق

حفظ دستگاه
کهن

تحقیقات دکتر هنس (۱) معلم دانشگاه لندن قبل از جنگ جهانی دوم اکثر محصلین دانشگاه ها توسط همین «آموزشگاههای همگانی» آماده میشدند و در قرن هیجدهم میلادی ۲۲ درصد از رؤسای قوم و برگزیدگان طبقه تحصیل کرده انگلیس از فارغ التحصیلان مدارس مذکور بودند و اکنون نیز ۴۶ درصد از مؤلفین و نویسندگان معاصر از آن مدارس بیرون آمده اند.

برای ورود به مدارس مذکور شاگرد باید مدرسه آمادگاه (۲) را که خصوصی و شبانه روزی و دوره آن معمولاً پنج سال است طی کرده باشد و در حدود سیزده سالگی امتحان ورودی بدهد. در مدرسه آمادگاه علاوه بر مواد عمومی برنامه دبستان زبان لاتین و زبان فرانسه و ریاضیات تدریس میشود. بواسطه گرانی مخارج فقط اشخاص متمکن می توانند فرزندان خود را بدانجا گسیل دارند.

قانون ۱۹۴۴ این دستگاه کهن را همچنان حفظ کرد و فقط بوزارت فرهنگ اجازه داد آنها را بازرسی کند. این مدارس چون موقوفات سرشار دارند و شهریه زیاد میگیرند محتاج به کمک دولت نیستند و در کار خود مستقل اند و تاکنون بهترین خدمت را انجام داده اند. عده آنها بالغ بر هفتاد باب است که قریب پنجاه باب آن در قرن نوزدهم میلادی بوجود آمده است. اسامی مشهورترین آنها در صفحه ۱۵۱-۱۵۲ ذکر شده است. تنها ایرادی که بر آموزشگاههای همگانی میگیرند اینست که طبقات بی بضاعت از استفاده از آنها محروم اند. برای رفع این نقیصه از طرف دولت کمک خرجهایی معین شده که باطفال بی بضاعت و بسیار مستعد داده میشود تا تحصیلات خود را در آنها دنبال کنند.

قبل از جنگ جهانی دوم دبیرستانهای موجود صرفاً جنبه ادبی

تعلیمات فنی

و علمی داشت و احتیاجات انگلستان را مرتفع نمیکرد و صنایع

بریتانیا که اساس قدرت و شهرت آن مملکت بود از مدارس مذکور استفاده نمیکرد

(۱) Hans در کتاب «آموزش و پرورش تطبیقی» صفحه ۲۶۵-۲۶۴

(۲) Preparatory School

سن تقریبی	دانشگاه اکسفر و کیمبریج پادانشگاههای شهری	دانش سرا	دانشگاههای شهری مدارس عالی فنی	مدارس شبانه
۱۲	آموزشگاه مکانی	تان صرف و نحو	تان فنی	مدارس شبانه - مدارس سالنندگان کالجهای شهر ستانها مدارس فنی - هنر ستانها
۱۱				
۱۰	مدرسه آمادگاه	دبیر	دبیر	تان جدید
۹				
۸	مدرسه آمادگاه	دبیر	تان فنی	تان جدید
۷				
۶	مدرسه آمادگاه	دبیر	تان فنی	تان جدید
۵				
۴	مدرسه آمادگاه	دبیر	تان فنی	تان جدید
۳				
۲	مدرسه آمادگاه	دبیر	تان فنی	تان جدید
۱				
۱۲	آموزشگاه نونہالان - کود کستان - خانه			

بهمین جهت از دستگاه تعلیم و تربیت موجود از این حیث نیز انتقاد میشد. قانون ۱۹۴۴ تا حدی این عیب را مرتفع کرده است.

دبیرستان فنی که در همه جا تأسیس گردیده از ۱۱ تا ۱۵ سالگی دروس فنی را علماً و عملاً میآموزد و برای شاگردانی که وارد آن شده‌اند این تعلیمات اجباری و از هر جهت معادل با تحصیلات متوسطه ادبی و علمی است. با اضافه کسانی که پس از سن پانزده مجبور با اختیار شغلی باشند بموجب قانون ۱۹۴۴ باید در مدارس شبانه هفته‌ای چند ساعت بتحصیل بپردازند. برای روستائینی که پس از پانزده سالگی مشغول کار شده‌اند در کالج شهرستان، فلاح و دروس مربوط بمشاغل محلی را علاوه بر مواد عمومی باید بیاموزند و حضور در آنها اجباری است.

مدارس فنی خصوصی و هنرستانها که از سابق وجود دارند بکار خود ادامه میدهند. در دانشگاهها نیز علاوه بردانشکده فنی مدارس نیم مستقل به تربیت متخصصین فنی اشتغال دارند.

برای ایجاد رابطه بین مدارس فنی و صنایع و کارخانه‌ها از ۱۹۴۷ شورای فنی ملی تأسیس گردیده تا بر طبق احتیاجات، مهندس و کارشناس آماده و تربیت شوند. کسانی که مایلند آموزگار شوند باید دارای گواهینامه متوسطه تربیت معلم بوده و وارد دانشسرا شوند که دوره تحصیلات علمی و عملی آن دو سال است.

داوطلبان دبیری باید در رشته معینی درجه B. A. یا B. Sc. اخذ کنند و یکسال در دانشکده علوم تربیتی یکی از دانشگاهها تحصیل و باخذ دانشنامه علمی نائل آیند. دبیران «آموزشگاههای همگانی» معمولاً از بین کسانی که درجه خود را از دانشگاه اکسفرد یا کیمبریج با نمره عالی گرفته باشند انتخاب میشوند. حقوق و مزایای آنان از تمام دبیران دیگر بیشتر است.

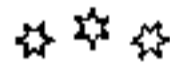
همانطور که دودستگاه برای تعلیم و تربیت عمومی در انگلستان **دانشگاهها** موجود است دو نوع دانشگاه نیز وجود دارد: یکی اکسفرد و کیمبریج که هر کدام از اجتماع چندین مدرسه با موقوفات کافی تشکیل یافته - دیگر

دانشگاههای شهری مانند دانشگاه لندن و منچستر و نظیر آن .

نظر بقدمت تاریخی دانشگاه اکسفر د و کیمبریج و اشخاص بزرگی که در ظرف هفتصد سال تربیت کرده اند شهرت آنها فوق العاده است و درجاتی که میدهند ارزش بسیار دارد و همیشه داوطلبان ورود بآنها چندین برابر عدهای است که میتوانند پذیرند. این دو دانشگاه شبانه روزی هستند و بواسطه موقوفات سرشاری که دارند محتاج بکمک دولت نیستند و کاملاً مستقل میباشند. هزینه تحصیل در آنها زیاد است و فقط توانگران قادر بپرداخت آن هستند. برای اشخاص بی بضاعت ولی مستعد هر ساله بعهدهای کمک خرج داده میشود. در سالهای اخیر بر تعداد کمک خرج افزوده شده است.

دانشگاه لندن و سایر دانشگاههای شهری جدیدند و شبانه روزی نیستند و مخارج تحصیل در آنها زیاد نیست. در دانشگاههای انگلستان معمولاً شش دانشکده موجود است: یزدان شناخت - ادبیات - علوم طبیعی و ریاضی - حقوق - پزشکی - فنی.

داوطلبان ورود علاوه برداشتن گواهی نامه متوسطه باید طبق برنامه‌ای که هر دانشگاه مقرر داشته امتحان بدهند. دانشجویان معمولاً پس از سه سال تحصیل و توفیق در امتحان بدرجه B.A. (۱) یا B.Sc. (۲) نائل میشوند و چنانچه دو سال دیگر ادامه و امتحان دهند درجه M.A. (۳) یا M.Sc. (۴) میگیرند. در دانشگاه اکسفر د و کیمبریج برای اخذ M.A. یا M.Sc. امتحان نمیدهند و تنها اقامت در دانشگاه و پرداخت شهریه کافی است.



روی هم رفته در مدت دو بیست و بیست سالی که آموزش و پرورش در انگلستان راه تکامل را پیموده نکاتی که موجب پیشرفت آن کشور شده پیوسته هویدا و پدیدار است: توجه بسنده باندیشه های نو - شناختن حق صاحبان حقوق - حفظ آزادی برای اولیای فرهنگ هر حوزه - تکیه به جهادت و کوشش مردم و مسئولیت هر محل و حسن نیت آنها - ترقی از راه اصلاح کردن و گرفتن حد وسط و معتدل - پیوند کردن بهترین اجزاء نو به نیکوترین عناصر کهنه آنها با تانی و مطالعه کافی - رعایت استقلال داخلی هر مدرسه و آزادی حرفه‌ای هر معلم - عدم اعتقاد به متحدالشکل کردن سازمان و یکسان کردن برنامه مدارس.

Bachelor of Science (۲)

Bachelor of Arts (۱)

Master of Science (۴)

Master of Arts (۳)

سازمان فرهنگ آمریکا

برای پی بردن به ترقیات شکفت انگیزی که کشورهای متحد امریکا از ۱۸۷۰ باین طرف مخصوصاً در ظرف نیم قرن اخیر در کلیه شئون زندگانی و منجمله فرهنگ نموده اند مقدماً باید چند نکته را در اینجا یاد آوری کرد. پس از کشف قاره امریکا بوسیله کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ میلادی، اسپانی و انگلستان و فرانسه هر یک برای تصرف قسمتی از قاره مذکور بر قابت یکدیگر برخاستند ولی بواسطه پنجهزار کیلومتر فاصله بین ممالک مذکور و امریکا وسختی مسافرت با کشتی های بادی تهیه مقدمات این تصرف مدتها بطول انجامید.

از مملکت اسپانی افراد متهوری برای یافتن زروسیم ب امریکا (که تصور میکردند آسیاست) شتافتند و دولت اسپانی نیز عده ای را برای عملیات اکتشافی و تصرف اراضی بآن قاره اعزام داشت مانند ماژلان (۱) که در ۱۵۱۹ از جنوب امریکا بطرف مغرب رفت و دور دنیا گشت و معلوم داشت که امریکا قاره جدیدی است و زمین گرد است - کورتس (۲) که در ۱۵۱۹ مکزیک را کشف کرد - کورونادو (۳) که چندی بعد اراضی وسیع جنوب غربی ممالک متحده کنونی را مسیر خود قرارداد - سوتو (۴) که در ۱۵۳۹ زمین های جنوب شرقی کشورهای متحد فعلی را پیدا کرد.

نخستین دسته انگلیسی در ۱۶۰۷ بسرزمین کنونی کشورهای متحد کوچ نمود و در ایالت جنوبی ورجی نیا (۵) رحل اقامت افکند و دومین دسته انگلیسی در ۱۶۲۰ بایالت شمالی ماساچوستس (۶) ورود کرد و بعد از آن بتدریج گروه های دیگر بنقاط مختلف کناره های شرقی اقیانوس اطلس مهاجرت نمودند.

Cortes (۲)	Magellan (۱)
Soto (۴)	Coronado (۳)
Massachusetts (۶)	Virginia (۵)

مهاجرین انگلیسی عموماً از کسانی بودند که از ظلم و جور فرقه‌های دینی اروپا یا تضییقات متصدیان کلیسای رسمی مستأصل شده برای آزادی مذهب و پرستش خداوند با آداب و ترتیبی که معتقد بودند راه غربت در پیش می‌گرفتند. مردمی که حاضر بودند با مشکلات جان فرسای مسافرت در اقیانوس اطلس و زحمات و مشقات آباد کردن قاره جدید مواجه شوند معمولاً بنفس خویش اعتماد داشتند و در خود احساس نیرو و ابتکار مینمودند و اگر میان آنان افراد ناتوان هم وجود داشت در وسط راه یا در ضمن مبارزه با شدائد زندگانی جدید جان می‌سپردند و فقط عناصر قوی باقی میماندند.

زمانی که مهاجرین علم انقلاب برپا و استقلال خود را اعلام کردند (۱۷۷۶) سیزده مستعمره انگلیسی با تقریباً سه میلیون جمعیت در ساحل اقیانوس اطلس موجود بود. ساکنان مستعمره‌ها پس از شش سال نبرد با قوای بریتانیای کبیر و توفیق قطعی در ۱۷۸۳ بموجب معاهده پاریس با انگلستان صلح کردند و از آن تاریخ رسماً کشورهای متحد امریکا با بعرضه وجود گذاشت. قانون اساسی امریکا در ۱۷۸۸ بتصویب سیزده کشور رسید و در ۱۷۸۹ واشنگتن بسمت نخستین رئیس جمهور انتخاب گردید.

پس از استقرار حکومت، توسعه ممالک متحده بطرف مغرب آغاز شد و در حدود یک قرن بطول انجامید تا امریکائیها باقیانوس کبیر رسیدند و بالاخره در ۱۹۱۲ بود که عده کشورها به ۴۸ بالغ گردید.

در این مدت مردمان دلیر و حادثه جو ببرانداختن جنگلها و عبور کردن از کوههای بلند و گذشتن از رودخانه های عظیم و مبارزه با حیوانات درنده و کشمکش با بومیان سرخ پوست و هموار کردن زمین و آبادی و عمران پرداختند و از این زندگانی پرتعب و مشقت خیز آثاری در اخلاق و منش آنها بجای ماند چون چابکی و چالاکی و بردباری و هوشیاری و تحمل شدائد و محرومیت ها و اعتماد بنفس و اعتقاد بکار بدنی و دلبستگی به کشاورزی و ایمان به حریت و حکومت ملی و احترام زیاد نسبت بزنان که امور خانواده و تربیت فرزندان و آموزش و پرورش اطفال را به عهده داشتند.

بترتیب مذکور کشورهای متحد امریکای شمالی که وسعت آن باندازه تمام اروپا

و دارای همه گونه آب و هوا و معادن و اراضی حاصلخیز و پربرکت است با مردمی عملی و فعال و آزادیخواه بین اقیانوس اطلس و اقیانوس کبیر در میان ممالک معظم جهان قد علم کرد و از اواخر قرن نوزدهم در معضلات امور جهان سهیم و دارای نقش بزرگ و مؤثر گردید.

قانون اساسی و فرهنگ

زعمای انقلاب امریکا و کسانی که قانون اساسی را تدوین کردند همواره از قدرت دولت مرکزی بیم داشتند زیرا از حکومت لندن رنجها برده و مایل نبودند نظیر آن در مملکت خودشان بوجود آید. باین جهت اموری را که رتق و فتق آن با دولت مرکزی (فدرال) بود صریحاً در قانون اساسی قید کردند و بعد در ماده دهم الحاقی قانون اساسی خاطر نشان ساختند که حقوق و اختیاراتی که بموجب قانون اساسی بدولت مرکزی تفویض نگردیده بعهده دولتهای جزء میباشد. چون از تعلیم و تربیت ضمن اختیارات دولت مرکزی ذکر نشده هر یک از دولتهای جزء موظف است وسایل آموزش و پرورش ابناء ملت را فراهم سازد. بعضی از کشورها در قانون اساسی خود و بعضی دیگر در قوانین عادی اصولی برای این منظور گنجانده اند. از اینجاست که در امریکا اتحاد شکل در فرهنگ وجود ندارد و هر دولت مطابق مقتضیات و احتیاجات خویش دستگاهی برپا کرده است و در این کتاب مجمل نمیتوان به تشریح و توصیف همگی آنها پرداخت بلکه بذکر نکات و مشخصات برجسته که در بیشتر آنها موجود است اکتفا خواهد شد.

هیئت مدیره فرهنگ هر کشور

بطور کلی هیچ يك از دولتهای چهل و هشتگانه مستقیماً در امر فرهنگ دخالت ندارند یعنی مدرسه تأسیس و نگاهداری نمیکنند بلکه این وظیفه را بعهده اولیای حوزه فرهنگی

و اگذار می نمایند.

در هر يك از کشورها بموجب قانون انجمنی بنام هیئت مدیره فرهنگ تشکیل میشود که عهده دار نظارت بر معارف آن کشور است. در بعضی از کشورها اعضاء هیئت مانند نمایندگان مجلس برای چند سال از طرف مردم انتخاب میشوند - در برخی دیگر

از طرف فرماندار کل (که خود از طرف عموم برگزیده میشود) طبق قواعد مخصوص معین میگرددند - در چند کشور شاغلین مقامهای معینی چون فرماندار کل و مدیر کل فرهنگ و رئیس دانشگاه دولتی و رئیس دانشسرای عالی و دادستان کل و رئیس بالاترین دادگاه و رئیس يك یا چند حوزه فرهنگی هیئت مدیره را تشکیل میدهند - بالاخره درباره ای از کشورها هیئت مدیره از امتزاجی از دو نوع اخیر تشکیل می یابد .

معمولاً عدد اعضای هیئت بین ۵ و ۹ نفر است و اعم از انتخابی یا انتصابی هر چند سال یکبار فقط کسری (مثلاً هر دو سال نلت عده) از آنها برای مدت معینی برگزیده یا منصوب میشوند و باین ترتیب دوام و ثبات آن تأمین و از گزند نفوذهای سیاسی برکنار است .

حقوق و اختیارات هیئت مدیره فرهنگ در هر کشور بموجب قانون مشخص گردیده و بطور کلی میتوان گفت که در اکثر آنها عبارتست از انتخاب مدیر کل فرهنگ - تعیین سیاست عمومی معارف - تصویب بودجه - وضع عوارض فرهنگی - تصویب برنامه های مدارس و آئین نامه ها و مقررات - جلب توجه مردم بفرهنگ

چنانکه گفته شد مهمترین وظیفه هیئت مدیره فرهنگ انتخاب
مدیر کل فرهنگ
هر کشور
 و نصب مدیر کل فرهنگ کشور است که بموجب قانون باید از حیث تحصیل و تخصص در تعلیم و تربیت و پیشینه خدمت و اخلاق دارای شرایط معینی باشد . مدیر کل فرهنگ برای چند سال استخدام میشود و مسئول هیئت مذکور میباشد و دبیر و خزانه دار آنست .

وظایف عمده او عبارتست از نظارت بر اجرای قوانین فرهنگی - نصب و عزل کارمندان اداره کل فرهنگ - تعیین حداقل معلومات برای هر يك از مراحل تعلیم - تعیین رؤس مطالب و مواد برنامه مدارس - تعیین شرایط معلمی - صدور پروانه معلمی - تعیین اوصاف ساختمانهای مدارس - کمک مالی و فکری به حوزه های فرهنگی - تصویب بودجه حوزه های فرهنگی - بازرسی مدارس - ممیزی حساب حوزه های فرهنگی - تصویب خرید و فروش اموال غیر منقول مدارس

اداره کل فرهنگ هر کشور

برای انجام وظایف خود مدیر کل فرهنگ در پایتخت کشور اداره ای تأسیس میکند که وسعت و نوع اعضایش بسته است بمقدار کار و تمکن مالی. معمولاً دو نوع کارمند استخدام میشود:

یکی اعضاء اداری برای دبیری و بایگانی و دفترداری و حسابداری و کارپرداز و ماشین نویسی و نظیر آن - دیگر اعضاء فنی برای رشته های مختلف چون آموزش ابتدائی - آموزش متوسطه - تعلیمات حرفه ای - بازرسی. رؤسای قسمتهای فنی باید در کار خود تخصص داشته باشند و عموماً معاون مدیر کل محسوب میشوند.

اداره کل فرهنگ با مدارس مستقیماً مربوط نیست - مگر بطور مشورت. آموزشگاهها مستقیماً با رئیس حوزه فرهنگی تماس دارند.

حوزه های فرهنگی

بر حسب سنت و سابقه که آزمایش و تجربه صحت آن را

ثبوت رساننده اختیارات قانونی دولت در امر تعلیم و تربیت

بعهد حوزه های فرهنگی محول گردیده است. اکنون در تمام امریکا ۲۷۳ و ۱۰۱ حوزه فرهنگی موجود است. بعضی از کشورها فقط تقسیم به شهرستان شده (مانند کشور بوتاه (۱) که بچهل شهرستان تقسیم گردیده) و شهرستان واحد حوزه فرهنگی است. در برخی دیگر از کشورها هر شهرستان تقسیم به بخش شده و بخش واحد حوزه فرهنگی است. در اینصورت شهرستان نیز وظایفی نسبت بتعلیم و تربیت عمومی برعهده دارد. بالاخره در بعضی از کشورها بخش تقسیم بدستان شده و دهستان واحد حوزه فرهنگی است و در اینصورت شهرستان و بخش هم مسئولیت هائی دارند.

تمایل عمومی کارشناسان تعلیم و تربیت بر اینست که حوزه فرهنگی دهستان حذف شود و در صورت امکان و اقتضاء از لحاظ وسعت خاک و جمعیت و تمکن مالی حوزه های فرهنگی بخش از میان برود و به حوزه فرهنگی شهرستان اکتفا شود.

چنانچه شهرستان واحد حوزه فرهنگی باشد دارای هیئت مدیره فرهنگی خواهد بود که کم و بیش مانند هیئت مدیره فرهنگ کشور است. عده اعضاء آن هیئت و طرز

(۱) Utah که تقریباً دوست هزار کیلومتر مربع مساحت دارد بنابراین هر یک

از شهرستانها بطور متوسط در حدود پنجهزار کیلومتر مربع است

تعیین آن از طرف فرماندار کل یا انتخاب از طرف مردم - حقوق و اختیارات آن بموجب قانون معین شده و در هر مملکت بنحو خاصی است .

اختیارات و وظایف مهم هیئت مدیره فرهنگ شهرستان معمولاً شامل مسائل ذیل است : انتخاب رئیس فرهنگ شهرستان که واجد شرایط قانونی باشد و مدیر کل فرهنگ موافقت خود را با تعیین او اعلام دارد - تصویب بودجه فرهنگ شهرستان - وضع عوارض محلی .

رئیس فرهنگ مدیر عامل و دبیر و خزانه دار هیئت مدیره فرهنگ است . اداره کردن آموزشگاهها با اوست . خرید و فروش اموال غیر منقول - نصب و عزل معلمین و تعیین حقوق آنها - تهیه بودجه معارف شهرستان - پیشنهاد معلمین برای بازنشستگی به هیئت مدیره از وظایف او میباشد .

رئیس فرهنگ نیز برای انجام وظایف خود اداره ای تأسیس میکند و در نصب و عزل کارمندان آن اختیار تام دارد . بازرسان دبیرستانها از طرف اداره کل فرهنگ اعزام و قسمتی از مزایای آنها را شهرستان باید پردازد .

چنانچه شهرستان وسیع باشد از طرف هیئت مدیره بچند ناحیه تقسیم می شود و در هر يك انجمن کوچکی از اعضاء محلی بتعیین هیئت مدیره مذکور در مدارس آن ناحیه نظارت میکند . این انجمن میتواند مثلاً آموزگاران که از طرف رئیس فرهنگ شهرستان معین شده بدلایلی که گزارش خواهد داد تا دو نوبت نپذیرد - خدمتگزاران جزء را نصب و عزل کند - بناهای مدارس را حفظ و تعمیرات جزئی را بنماید .

اگر بخش یادهستان واجد حوزه فرهنگی باشد بتناسب وسعت خود سازمانی شبیه شهرستان دارد منتها بواسطه کوچکی حوزه و قلت عایدات، حوزه فرهنگی مافوق موظف بکمک مالی و نظارت است .

حوزه فرهنگ شهرها

از هشتاد سال قبل باینطرف که امریکا صنعتی شده و مخصوصاً از آغاز قرن کنونی کارخانه های بسیار در نقاط مختلف برپا شده و در پیرامون آنها شهرها بوجود آمده که روز بروز

توسعه یافته است بطوریکه در حال حاضر از ۱۵۷ میلیون جمعیت امریکا در حدود شصت درصد در شهرها سکونت دارند و عده آنهایی که از پنجهزار نفر بیلا جمعیت دارد بالغ بر ۲۲۷۵ شهر است که ۹۲ شهر آن از یکصد هزار تا چند میلیون نفر ساکن دارد.

هریک از این شهرها از خود هیئت مدیره و رئیس و اداره فرهنگ دارد. هیئت مدیره معمولاً از ۵ تا ۹ نفر و غیر فنی هستند و از طرف مردم شهر انتخاب میشوند یا شهردار (که خود از طرف مردم برگزیده شده) و یا انجمن شهر برای مدت معینی از سه تا هفت سال آنرا معین میکنند و در قلمرو خود اختیاراتی نظیر اختیارات هیئت مدیره فرهنگ کشور دارند.

بواسطه تجمع رجال و مردان بزرگ در شهرها و تمرکز ثروت در آنها شایسته‌ترین افراد در هیئت مدیره و اداره فرهنگ شهرها بخدمت اشتغال دارند و ترقیات شگرف در آنها محسوس و مشهود است.

البته دولت مرکزی امریکا در امور فرهنگ مداخله ندارد ولی بموجب قوانینی که بتصویب مجلسین امریکا رسیده کمک‌هایی بتمام کشورهای چهل و هشتگانه میشود.

کمک‌های دولت مرکزی

بموجب قانون مریل (۱) مورخ ۱۸۶۲ در هر کشوری که مایل بوده با کمک دولت مرکزی يك آموزشگاه عالی فلاح و صناعت و خانه‌داری تأسیس گردیده است. در ۱۸۶۷ بموجب قانون دیگری درواشنگتن اداره‌ای برپا شد تا اطلاعات و آمار لازم را در باب آموزشگاه‌های امریکا جمع آوری کرده در میان مردم و حوزه‌های فرهنگی انتشار دهد. این اداره بتدریج راه تکامل را پیموده و امروز جزئی است از وزارتخانه‌ای که موسوم است به «هیئت عامله امنیت اجتماعی» (۲) که علاوه بر امور فرهنگ، بیمه‌های اجتماعی و بهداشتی و بازنشستگی و نگاهداری سالخوردگان بی بضاعت و نظیر آنرا برعهده دارد.

(۱) Morrill Act - شرح این مدارس را در صفحات بعد ملاحظه خواهید کرد.

(۲) Federal Security Agency

اداره فرهنگ دولت مرکزی موظف است مجالس سخنرانی برای معلمین و دانشجویان و مجامع فرهنگی بوسیله متخصصین خود ترتیب دهد - حوزه های فرهنگی که تقاضا کنند مورد معاینه قرار داده معایب و نواقص کار آنها را خاطر نشان و نسبت باصلاح آنها ارائه طریق کند - در باب مسائل مهم آموزش و پرورش تحقیق و پژوهش نموده نتیجه را منتشر سازد - در باب کلیه مؤسسات فرهنگی امریکا اطلاعات لازم را کسب و انتشار دهد .

بالاخره در ۱۹۱۷ بموجب قانون اسمیت هیوز (۱) هیئت مدیره ای درواشنگتن تشکیل و با اعتباراتی که در اختیار آن گذاشته شده بتعلیمات کشاورزی و صنایع روستایی و مکانیک و تدبیر منزل در تمام چهل و هشت کشور کمک مالی و راهنمایی میکند .

درآمدهای عمده معارف امریکا از چهار منبع عمده است :
منابع درآمد فرهنگ
 عوارض محلی - مالیاتهایی که در هر یک از کشورها گرفته میشود - کمکهای دولت مرکزی - موقوفات و اعانات .

اگر شهرستان واحد حوزه فرهنگی باشد هنگامی که رئیس فرهنگ بودجه سال بعد را بهیئت مدیره پیشنهاد میکند میزان عوارض محلی که باید اخذ شود تا هزینه فرهنگ را تکافؤ کند گزارش میدهد و هیئت در حدود قانونی که هر کشور برای وضع عوارض محلی دارد تصمیم لازم اتخاذ میکند . این تصمیم یا توسط مأمورین اداره فرهنگ اجرا میشود یا توسط امنای دارائی (معمولاً سه نفر) که مردم هر شهرستان چند سال یکبار مانند نمایندگان مجالس انتخاب میکنند تا موظفاً امور مالی شهرستان را اداره کنند . عوارض محلی از اموال منقول و غیر منقول اخذ میشود و حد اکثر آن را قانون معین کرده است .

چنانچه بخش واحد حوزه فرهنگی باشد هر کس باید دوبار عوارض محلی بپردازد : یکی به بخشی که فرهنگ را اداره میکند و دیگر به شهرستانی که بخش در آن واقع است . در این صورت شهرستان قسمتی از عوارض دریافتی را به بخش مسترد میدارد

تا بمصارف معینی برسد .

عوارض محلی که از حوزه اداره کننده فرهنگ دریافت میشود در حدود شصت درصد در آمد معارفی امریکاست .

مالیاتهایی که در هر کشور بنام فرهنگ اخذ میشود برای تأمین مخارج دانشگاه دولتی - دانشسراها - مدارس فنی عالی - اداره کل فرهنگ - کمک به حوزه های فرهنگی است و از درآمد مردم و شرکت ها و پروانه پزشکی و وکلای دادگستری و داروسازی و مانند آن میگیرند و رویهمرفته در حدود سی و پنج درصد از عایدات فرهنگ امریکاست . کمک به حوزه های فرهنگی ممکن است از روی عده شاگردان مدارس آن حوزه - یا از روی شماره شاگرد و عده روزی که در سال تحصیلی بمدرسه میروند - یا بر حسب اصل تعدیل (۱) داده شود . اصل تعدیل آنست که هر گاه حوزه فرهنگی حداکثر قانونی عوارض محلی را وضع کند و باز برای رسیدن پیاپی فرهنگ بهترین حوزه آن کشور کسر داشته باشد آن کسر از طرف اداره کل فرهنگ تأمین شود . هر يك از دولت های جزء علاوه بر مالیاتهایی که بنام فرهنگ میگیرند مبلغی نیز از اصل و متن بودجه خود بمصرف معارف میسرسانند .

دولت مرکزی امریکا علاوه بر وجوهی که بر طبق قانون اسمیث هیوز و قوانین دیگر برای دبیرستانها و کالج های فلاحتی و صنعتی و خانه داری و مزارع نمونه و آزمایش های جدید در امور کشاورزی و تعلیم طرق عملی در کشتزارها صرف میکند مبالغ هنگفتی جهت آموزش و پرورش سربازان برگشته از جنگ در دانشگاهها و مدارس فنی و یاد دادن پیشه مناسب بکسانی که علیل هستند و همچنین تهیه ناهار بیهای ارزان (در حدود چهار يك قیمت) برای شاگردان مدارس هر ساله خرج میکند .

موقوفه عمده هنگام مهاجرت بمغرب امریکا ایجاد شد . برای واگذاری اراضی به کوچ نشین ها آنرا تقسیم به دهستانهایی کردند که هر کدام يك فرسنگ مربع بود و در هر دهستان $\frac{1}{16}$ را وقف بر معارف همان دهستان نمودند که جمعاً در تمام امریکا در حدود